

Unit 14

آجر

آجر بلوکی از خشت سخت است که برای ساختن چیزهایی مانند دیوارها استفاده می شود. چندین آجر روی زمین پراکنده بود.

فرو ریختن

فرو ریختن یعنی شکستن یا خرد شدن به قطعات کوچک. دیوارهای خانه قدیمی به تلی از سنگ و چوب خرد شد.

خمیر

دوغ مخلوطی از خمیر و آب است که هنگام پخت تبدیل به نان می شود. من از خمیر کلوچه هایی به شکل قلب درست کردم.

بیان

بیان یک احساس یا ایده به معنای نشان دادن چگونگی تفکر یا احساس شخص به دیگران است. پرستار ابراز همدردی با بیمار کرد.

مشت

مشت دستی است که انگشتان آن به سمت کف دست خم شده اند. قلدر دستش را مشت کرد و پسر کوچک را تهدید کرد که به او ضربه خواهد زد.

قابل انعطاف

اگر چیزی انعطاف پذیر باشد، می تواند بدون شکستن به راحتی خم شود. شاخه درخت آنقدر انعطاف پذیر بود که می توانست به شکل دایره خم شود و شکسته نشود.

گرگرفتگی

گرگرفتگی به معنای قرمز شدن صورت در اثر گرما، بیماری یا احساسات است. بعد از مسابقه طولانی، صورت دهنده سرخ شد.

صدمه رساندن

صدمه زدن به کسی به معنای آسیب رساندن به بخشی از بدن او است. تصادف خودرو باعث مصدومیت دو نفر شد.

توده

توده قطعه ای کوچک از چیزی است که جامد باشد. این هنرمند یک تکه خاک رس برداشت و آن را به یک گلدان زیبا تبدیل کرد.

مخلوط

مخلوط چیزی است که با مخلوط کردن چیزهای دیگر با هم ساخته می شود. دیوارها با استفاده از مخلوط آب، سنگ و خاک ساخته شده اند.

اشتی کردن

آشتی کردن یعنی بازگشت به یک رابطه دوستانه.
پس از مشاجره ، دو دوست با یکدیگر آشتی کردند.

خراب کردن
خراب کردن چیزی به معنای آسیب رساندن به آن است.
پیاده روی ما در پارک با باران ناگهانی خراب شد.

خرد کردن
خرد کردن چیزی به معنای شکستن ناگهانی آن در بسیاری از قطعات کوچک است.
وقتی توپ به پنجره برخورد کرد ، شیشه خرد شد.

کرکره
کرکره ها روکش های چوبی یا فلزی جلوی پنجره هستند.
آقای اسمیت هر شب کرکره ها را می بست تا اتاق خوابش تاریک شود.

الک کردن
الک کردن چیزی به معنای برداشتن تمام قطعات بزرگ است.
نانوا آرد را در یک کاسه بزرگ الک کرد.

خفیف
اگر چیزی خفیف است ، کوچک یا جزئی است.
فقط تغییر کمی در قد پسر کوچک به وجود آمد.

درخشش
درخشش به معنای درخشش شدید با چشمک زدن سریع نور است.
ستاره ها در آسمان شب زمستان برق زدند.

پاشیدن
پاشیدن به معنای پراکندگی چیزی در چیز دیگری است.
نمک و فلفل سیاه را روی ماکارانی پاشید

کهنه
اگر غذا کهنه است ، بنابراین تازه نیست بلکه خشک ، سفت و خوب مصرف نمی شود.
کلوچه ها آنقدر روی میز نشستند که بیات شدند.

ادا کردن
ادا کردن یک کلمه یا صدا به معنای گفتن آن است.
پسر گمشده چنان ترسیده بود که به سختی توانست حتی یک کلمه را بر زبان بیاورد.

دو برادر می خواستند بیرون بروند و بازی کنند. با این حال ، چون تنها نان خانه کهنه بود ، مادر آنها به آنها گفت که لازم است نان تازه بپزند.

وی گفت: "من باید ماشین را تعمیر کنم." "وقتی برمی گردم ، اگر نان آماده باشد ، می توانی بازی کنی."

برادران برای تهیه نان عجله کردند ، اما نه با احتیاط. آنها آرد را الک نکردند. آنها بی خیال بودند و نمک زیادی به مخلوط پاشیدند. خمیر نیاز به نرمی و انعطاف پذیری داشت ، اما نمک آن را به صورت توده ای در می آورد که به سختی آجر است.

برادر کوچکتر آهی کشید. وی گفت: "اکنون ما باید دوباره شروع کنیم."

برادر بزرگتر پاسخ داد: "نه ، ما این کار را نمی کنیم." "من آن را درست خواهم کرد. فقط باید خمیر را دوباره صاف کرده و به آن آب اضافه کنم."

او تصمیم گرفت با مشت به توپ خمیر ضربه بزند تا صاف شود. اما آن را چنان محکم زد که درست از روی میز پرواز کرد و لیوانی را شکست که خرد شد. سپس خمیر به کرکره آشپزخانه برخورد کرد و خرد شد. خوشبختانه ، برادران آسیب ندیدند ، اما آنها یک بهم ریختگی بزرگ ایجاد کردند.

یک اشتباه کوچک اکنون به یک مشکل اساسی تبدیل شده است. برادران آشپزخانه را خراب کرده بودند. همان موقع مادرشان برگشت. او آشفتگی را دید و از عصبانیت سرخ شد.

او گفت: "حالا نمی توانی بازی کنی." در عوض ، شما باید آشپزخانه را تمیز کنید. من می خواهم این آشپزخانه آنقدر تمیز باشد که برق بزند!"

برادران زمین را تمیز کردند و به مادرشان ابراز ناراحتی کردند. به زودی ، آنها آشتی کردند. اما نان نبود و برای بازی خیلی دیر بود. آنها فهمیدند که تلاش برای انجام کاری سریع اغلب باعث کار بیشتر می شود.